

در حاشیه تعرضات اخیر رژیم به دانشجویان دانشگاه بابل!

تعرضات رژیم به دانشجویان دانشگاه بابل و ربودن تعدادی از فعالین دانشجو از جمله بیژن صباغ، با مقاومت صفوف دانشجویان در سطح سراسری رو برو شده است. نیروهای امنیتی رژیم با یورش به خانه های دانشجویی اقدام به بازداشت تعداد دیگری از دانشجویان کرده اند که هنوز اطلاع دقیقی از وضعیت آنها در دست نیست. به دنبال اظهارات اخیر رئیس قوه قضائیه رژیم اسلامی، مبنی بر قانونی کردن بازداشتگاههای ارگانهای مختلف سرکوب و برای عقب زدن اعتراضات رو به رشد و رادیکال دانشجویی، دست به بازداشت و ربودن و حشایانه دانشجویان میزنند.

این فشارها و بگیر و ببند ها محصول دوران خاصی از حاکمیت جمهوری اسلامی است. دارند بر دعوی هسته ای با آمریکا و دست بالا پیدا کردن عینی در تحولات عراق و همچنین حول و حوش بازداشت ملوانان انگلیسی و جشن به اصطلاح هسته ای به آن دست میزنند. رژیم میخواهد درجه حساسیت مردم و خصوصا دانشجویان دانشگاه بابل را نباید از دست بدهیم که به بهانه های واهی "خطر خارجی"، فضای خفقان را بر دانشگاهها بگسترانند.

اضمحلال و عقب نشینی به این رژیم تنها در گرو متحد شدنی گسترده حول پرچمی است که بتواند با نیروی خود مردم، رژیم را کنار زند و مردم را به صحنه بیاورد. این یک واقعیت است که امروز جاری ترین و زنده ترین حرکت در دانشگاه ها وجود دارد و تهدید آمیزترین حرکتها و اتفاقات می تواند از دانشگاه شروع شود چون آنچه بطور اخص بعد از ۱۶ آذر امسال محسوس است، نشان دادن راه عبور جامعه در این دوره توسط دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب و تبدیل شدن به لولا و محمل اتحاد مردم است.

دانشجویان دانشگاه بابل را نباید تنها بگذاریم. باید دست به کار سازمان دادن اعتراضات سراسری در دانشگاههای کشور شد. متحقق شدن خواست فوری آزادی بیژن صباغ و دیگر دانشجویان بازداشتی در گروه مبارزه پیگیر و همه جانبه در دانشگاه های کل کشور است.

اول مه، جشن اتحاد بین المللی خالقین ثروت، فرمان ایست کارگر به سرمایه دار

امسال در شرایطی اول ماه مه، روز جشن اتحاد جهانی طبقه کارگر را برگزار میکنیم که جهان سراسر، از آفریقا تا آمریکا، از آسیا تا استرالیا، در منجلابی از فقر، تحمیق، جنگ و تباهی در ابعادی غیر قابل باور، گرفتار است. منجلابی که سرمایه سوار بر اقیانوس بی کرانی از ثروت مخلوق طبقه کارگر، برای کل بشریت ساخته است. جهنمی که سرمایه تنها با استثمار کارگر در سراسر جهان و تصرف محصول کار او، قدرت ساختن آن را یافته است.

امسال اول مه را در شرایطی برگزار میکنیم که طبقه کارگر در سراسر جهان گرفتار در زنجیر یاس و ناامیدی، مبهوت سرمایه، این هیولای دست ساز خوداست! گورکنان جهنم سرمایه، طبقه ای که بدون کار آن، روز و لحظه ای چرخ جهان نخواهد چرخید، خاموش اند. انزوایی که سرمایه به کارگر تحمیل کرده است، اسلحه صیقل یافته سرمایه علیه به میدان آمدن کارگر است. باید آن را در هم شکست.

این خاموشی مجاز نیست. فرمان شکستن انزوا و تنهایی مردم کارکن را طبقه کارگر جهانی، ۱۵۰ سال پیش با اعلام اول مه، صادر کرده است. پرچم این فرمان، که اتحاد میلیونی طبقه کارگر در سراسر جهان است، باید در دست هر کارگری در هر گوشه ای از جهان باشد.

بدون کار کارگر، سرمایه، طبقه و دولت اش، زنده نیست! بدون کار کارگر، سرمایه قادر به آفریدن هیچ جنگی، بمباران هیچ خانه و کوچه و خیابانی، به فقر و فحشا و خانه خرابی و گرسنگی کشاندن هیچ خانواده کارگری، نیست! سرمایه و جهنم اش، به کار کارگر و بردگی مزدی او زنده است. کار برای تولید، به انگل سرمایه نیازمند نیست! سرمایه برای کسب ثروت اما به بردگی مزدی کارگر نیازمند است. اول مه باید این خودآگاهی طبقاتی را به طبقه کارگر بازگرداند.

کارگران سراسر جهان متحد شوید!

مرگ بر نظام ضد انسانی سرمایه، زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

مه ۲۰۰۷ - اردیبهشت ۱۳۸۶



اول مه تنها روز اعتراض به جمهوری اسلامی و خواست های صنفی نیست!
روز اعلام وجود طبقه کارگر، روز اعلام قصد رهائی بشر توسط این طبقه است.
گفتگو با کورش مدرسی ص ۲

معلمان برای افزایش حقوق احتیاج به

رهبری روشن و قاطع دارند!

محمود قزوینی ص ۳

جهت اطلاع عموم! برنامه های آزمایشی پرتو بدلیل

مشکلات فنی ماهواره، تغییر یافته است. ص ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تلویزیون پرتو

هر شب از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران پخش میشود. این برنامه روز بعد ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر روی همین کانال تکرار خواهد شد.

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۷۳۹۹۸۶۸

parto.tv@gmail.com

این متن ادیت شده مصاحبه تلویزیونی پروتو با کورش مدرسی است که در تاریخ ۲۴ فروردین (۱۳ آوریل) پخش شده است. متن اصلی این گفتگو از طریق سایت حزب و سایت تلویزیون پروتو قابل دسترسی است.

مصطفی اسدپور: ۱۱ اردیبهشت روز جهانی طبقه کارگر نزدیک می شود. تحرک و تدارک در میان جمع های کارگری شکل گرفته است. مسئله این است که اتحاد طبقه کارگر می تواند اوضاع را عوض کند و نیای بهتری را بجای آن بنشاند. فضای سیاسی ایران تشنه چنین مناسبت و روزی است و تمام آن چیزی که اول ماه مه با آن متجلی می شود یعنی قدرت نمایی، تشنگی و آلترناتیو کارگری است. اول ماه مه را باید با چه دیدی نگاه کرد؟ مردم باید چگونه برای آن آماده شوند؟

کورش مدرسی: بسیاری از اوقات اول مه را با یک اکسیون علیه جمهوری اسلامی یا روز اعلام مطالبات صنفی طبقه کارگر یکسان میدانند. اما اول مه بسیار فراتر از این است. اول ماه مه روز طبقه کارگر است، در واقع مثل نوروز طبقه کارگر است. روز اعلام همبستگی طبقه کارگر در سطح جهانی است. روزی است که طبقه کارگر هویت خود را در تمایز از تمامی طبقات و اقشار دیگر به تصویر می کشد. روزی است که طبقه کارگر اعلام می کند که جامعه را می شناسد و تفاوت خود را با بقیه طبقات تشخیص می دهد. اعلام میکند که می داند در دنیای امروز منشاء ثروت طبقه کارگر است و در عین حال طبقه ای است که از حاصل دسترنج خود محروم است. طبقه کارگر در اول ماه اعلام می کند که آگاه است که بر جامعه نظام بردگی مزدی حاکم است و طبقه کارگر بردگان جهان امروز ما هستند. در این روز طبقه کارگر اعلام میکند می خواهد از قید این بردگی آزاد شود و همراه خود کل جامعه را رها کند. اول ماه مه حقیقت جامعه امروز واقف است، خود و جامعه اش را به خوبی می شناسد. بر اتحاد جهانی طبقه کارگر آگاه است و تصمیم دارد که دنیا را تغییر دهد.

درست است که در جامعه اختناق زده، فلاکت زده ایران اول مه بلاواسطه به رودررونی با جمهوری اسلامی کشیده میشود. اما اول مه فقط روز مبارزه با جمهوری اسلامی نیست بلکه روز مبارزه با کل اردوی بورژوازی در ایران و در سطح جهانی است. هدف اول مه حمله به نقطه اشتراک تمام بورژوازی در سطح

جهان یعنی زیر نورافکن قرار دادن اعمال بردگی مزدی بر طبقه کارگر است. روز اعلام قصد طبقه کارگر برای رهایی بشریت است. باید اول مه را به این عنوان گرامی بداریم و به عنوان آن را سنت کنیم و به روزی تبدیل کنیم که تعداد هر چه وسیعتری از طبقه کارگر را دور هم متحد کنیم.

مصطفی اسدپور: شما به توصیفات زیادی اشاره کردید. اما وقتی به طبقه کارگر در ایران نگاه می کنید با ضعف های زیادی رو برو است. کارگر پرانگنده، کارگر گرسنه، تحت فشار، کارگری که نمی تواند گلیم خودش را از آب بکشد. فاصله بین توصیفات شما از طبقه کارگر و موقعیت موجود شکل یک دره را بخود گرفته است. آیا بحث شما بر سر یادآوری آرمانخواهی است یا اینکه یک معنای واقعی و عملی برای طبقه کارگر در آن وجود دارد؟ منظور شما از این توصیفات چی است؟

کورش مدرسی: فاصله و دره ای که به آن اشاره میکنید واقعی است. دره میان موقعیت ایزتکنیو طبقه کارگر و قدرت عملی او در صحنه جامعه. طبقه کارگر نه تنها در ایران که در دنیا شریان حیات جامعه را در دست دارد. برای لحظه ای تصور کنید که کارگر برق، نفت، نانوائی ها، اتومبیل سازی و غیره... تصمیم بگیرند که کار نکنند، جامعه می خوابد. تولید ثروت متوقف میشود. خانه ای ساخته نمیشود، ماشینی به حرکت در نمی آید. بورژوازی قدرتش را از دست می دهد. بنزینی نخواهد بود که ماشین های نظامی به حرکت در آیند. باروتی ساخته نخواهد شد که گلوله را با آن شلیک کنند. توپ های جنگی شان از کار خواهد افتاد. ماهواره های شان بیکار خواهد افتاد. هیچ بخشی از جامعه چنین قدرتی را ندارد. بخش های دیگر جامعه با تمام اهمیت شان اگر دست از کار بکشند چنین تاثیر عظیم و بلاواسطه را نخواهند داشت. اگر امروز پرستاران دست از کار بکشند و معلمان و دانشجویان سر کلاسهای درس نروند، حتما بخشی از زندگی مردم فلج می شود. اما اگر کارگر نفت و برق و غیره دست از کار بکشد و چرخ تولید را بخواهاند همان لحظه کل جامعه را فلجی کامل فرا می گیرد. اگر رانندگان شرکت واحد و مترو تصمیم بگیرند که کار نکنند همان روز و همان لحظه تهران می خوابد. این قدرت طبقه کارگر است. چرا این قدرت در صحنه جهانی غایب است و با این صلابت و مشخصات ظاهر نمی شود، فقط یک فاکتور ذهنی است که هیچ پیش شرط عینی ندارد.

فاکتور ذهنی این است که طبقه کارگر قدرت و ضعف خود را ببیند. متوجه شود که پراکنده سادش به جایی نخواهد رسید که آسیب پذیر ترین بخش جامعه است. این طبقه بداند که اگر هر بخش آن، بخصوص بخش صنایع کلیدی که کلید جامعه را دارند و کلید قدرت طبقه ما هستند دستشان را به کلاهشان بگیرند و کلاه بقیه جامعه را هم باد خواهد برد. مشکل فقط یک ذهنیت است. مشکل افکاری است که شب و روز میان طبقه کارگر کار می کنند و مانع اتحاد آنها با هم می شوند. افکاری که کارگر را به زن و مرد، کرد و فارس و عرب و ترک و بلوچ و...، کارگر شاغل و بیکار، کارگر کارخانه ها و صنف های مختلف، کارگر مسن و کارگر جوان تقسیم شان می کنند. چنین ذهنیت ها و چنین افکاری، شکاف هایی را در میان طبقه کارگر بوجود می آورد که سرمایه داری برای قدرت خود از آن استفاده میکند. این تقسیمات است که باعث میشود وقتی که کارگر نساجی را به فلاکت کامل می کشند و کارگر نفت بیصدا ایستاده است. وقتی تعرض به کارگر نفت میشود ایران خودرو و نساجی ها ساکت می مانند. کارگر ایران خودرو که بیکار می کشد کارگر برقی ساکت است. این واقعیتی است که ما با آن رو برو هستیم و فلسفه اول مه تلاشی برای نزدیک کردن صفوف طبقه کارگر و متشکل کردن آنها است. طبقه کارگر باید به جامعه اعلام کند که جشن است تا بدین وسیله خودش را به خودش بشناساند. چرا اول ماه مه شهرها چراغانی نمی شوند؟ چرا سوت کارخانه ها به صدا در نمی آید؟ چرا اول ماه مه چراغ همه وسایل نقلیه عمومی روشن نمی شود؟ چرا رانندگان شرکت واحد و نگران مترو در این روز تصمیم نمی گیرند که مردم را مجانی سوار کنند؟ و اگر کسی پرسید که "چه خبر است؟ مگر تولد امام است؟" جواب دهند مگر نمیدانند امروز جشن تولد طبقه کارگر است!، جشن بشریت و انسانیت است. جشن رهایی از بردگی مزدی است!"

همه اینها ممکن است. مسئله فقط تظاهرات علیه جمهوری اسلامی نیست. این روز شناختن خود است. بیش از هر چیز، روز برگشتن طبقه کارگر به خودش است. و این را باید مینا قرار داد. همه فعالین کمونیست و رهبران کارگری باید دستشان را در دست هم بگذارند و تلاش کنند اول ماه مه را به چنین روزی تبدیل کنند. روز جشن همگانی جامعه! کسی که در این جامعه می خواهد زندگی کند باید وجود طبقه کارگر و اهمیت و نقش این طبقه را به

رسمیت بشناسد. و بیش از هر کس و قیل از هر بخشی این خود طبقه کارگر است که باید این واقعیت را به رسمیت بشناسد. مشکل ذهنی طبقه کارگر هم دقیقا همین است. ناسیونالیسم، مذهب، مردسالاری، میهن پرستی و همه اشکال مختلف این ایسم هایی که بشریت را تقسیم می کنند برای ابدی کردن این مشکل ذهنی طبقه کارگر و بهره برداری از شکاف های درون طبقه است که خلق می شوند. اینها هر کدام به سهم خودشان شکاف غیر واقعی و غیر طبقاتی را دامن میزنند. کارگر را بر حسب جنسیت، قومیت، صنف، و هزار چیز دیگر از هم جدا می کنند. این اول مه است که کارگر باید اعلام کند که هویت ملی و مذهبی و جنسی ندارد. یک هویت انسانی دارد که می خواهد جامعه را یکسان و از شر هر گونه ستم و استعمار رها کند. این معنی اول ماه مه است و باید به این سمت رفت. هر جا که این آگاهی متحقق شود، هر حاکمیت بورژوازی در آن محل فقط چند ساعت است نه حتی یک روز!

مصطفی اسدپور: فراخوانی که شما در رابطه با اول ماه مه مطرح می کنید زیاد رایج نیست. گفته می شود که کارگر جمع شود و اعتراض خودش را به جمهوری اسلامی بیان کند یا خواسته های کارگری و کشمکش با اداره کار و غیره را مطرح کند. آیا اینجا یک نوع دوگانگی بین چیزی که شما می گوئید با انتظاری که از کارگر در اول ماه مه است بوجود نمی آید؟

کورش مدرسی: بنظر من نه موضوع بر سر محدود دیدن یا وسیع دیدن مسئله است. چیزی که من گفتم اعتراض به فلاکت روزمره طبقه کارگر را شامل می شود. مبارزه علیه فلاکت، مبارزه برای شرایط کار بهتر، مبارزه برای بیمه بیکاری مبارزه هر روز ما و از جمله مبارزه ما در اول مه هم هست. اما ماه مه یک هدف دیگر دارد. اتحاد طبقه کارگر حول هویت طبقاتی خود. اگر مطالبات محلی را محور قرار دهید کارگر انگلیس که فلاکت زده نیست چرا باید با طبقه کارگر ایران اتحاد اعلام کند. یا طبقه کارگر فلاکت زده ایران چرا باید با طبقه کارگر انگلیس و چین که اتفاقا این روزها درآمد آن به یمن رشد سرمایه داری بالای می رسد همبستگی اعلام کند. من بحثم این است که اعتراض به وجود فقر و فلاکت و ستم و اختناق بخشی از این اول ماه مه است، محصول است نه معنی اول مه. جنبش هایی در این جامعه هستند که می خواهند طبقه کارگر در چهارچوب محدودی به میدان بیاید. کسانی

هستند که میخواهند برای نمونه به احمدی نژاد فشار آورد که رفسنجانی سر کار بیاید، یا میخواهند طبقه کارگر به میدان بیاید به شرطی که با ضعف کردن جمهوری اسلامی و بورژوازی سراسری، بورژوازی محلی و قومی و تحصیلکردگان عقب مانده آن را به قدرت نزدیک کند. بورژوازی های کرد و ترک و عرب و غیره اولا را به قدرت نزدیک کند، به غیرالیم و یا به مشروطه شان برسند. همه اینها از اعتراض کارگر به جمهوری اسلامی در اول مه خوشحال میشوند به شرطی که هویت طبقاتی این طبقه عروج نکند. شرط میبندم عبدالله مهندی و عبدالله اوجالا هم در این روز به کارگران پیام میدهند. بحث من بر سر این است که ما میخواهیم طبقه کارگر به میدان بیاید بشرطی که اعلام موجودیت خود را در سطح جهانی به کرسی بنشاند. در چنین حالی است که مبارزه علیه پاپین بودن دستمزدها، اخراجها و بیکارسازی ها تقویت میشود. بحث تناقض نیست، بحث محدود کردن و باز کردن یک دریچه بروی کارگر است. بحث باز کردن ذهن جامعه است بروی موجودی که در جامعه است و محروم است و می تواند این جامعه را نجات دهد.

هر روز ما باید علیه دستمزد و سرکوب و اختناق مبارزه کرد منجمه اول ماه مه. منتها اول ماه مه مستقل از هر چیز اعلام خودشناسی طبقه کارگر و اعلام حضورش به کل جامعه و کل بورژوازی در پوزیسیون و در اپوزیسیون است. از بورژوازی که در عراق در قدرت است تا بورژوازی که در فرانسه و چین قدرت دارد. طبقه کارگر باید اعلام کند که خود و جامعه اش را می شناسد. اعلام کند که شمارش معکوس عمر بورژوازی آغاز و افق رهایی انسانیت پدیدار گشته است.

مصطفی اسدپور: می گویند اول ماه مه هر سال مستقل از همه خاصیت ها و معانی و مفاهیم طبقاتی که با خود دارد، مهر زندگی آنروز طبقه کارگر را هم با خود دارد. طبقه کارگر ایران با مسئله جنگ و آلترناتیو جنگی در منطقه روبرو است. فکر می کنید اول ماه مه امسال چه مهری را از مصاف های امروز طبقه کارگر ایران بر خود دارد؟

کورش مدرسی: هر بخشی از مردم یا هر بخشی از طبقه کارگر، به هر لیلی، که جمع شوند خواست آن روز شان را بیان می کنند. حتما به جنگ و به فضای نظامی و ماجراجویی اعتراض می کنند. همه این کارها را باید بکنند. منتها اینجا من بر فلسفه اول ماه مه تاکید می گذارم.



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



معلمان برای افزایش حقوق احتیاج به رهبری روشن و قاطع دارند!

محمود قزونی

بی شک حرکت اعتصابی معلمان یکی از گسترده ترین و سازمان یافته ترین حرکت‌های اعتراضی است که در دوره اخیر صورت گرفته است. من قبلاً در مطلبی درس آموزی از این جنبه از حرکت معلمان و نقد ضعف‌های این حرکت را نوشتم. در اینجا بیشتر به جنبه ای از حرکت معلمان میپردازم که مانع جدی بر سر حرکت اعتراضی معلمان برای احقاق حقوقشان و کلا مبارزه ازادخواهانه کارگران و مردم ایران در مقابل رژیم جمهوری اسلامی است.

مبارزه معلمان برای افزایش حقوق خود وارد یک مرحله مهم در جدال با دولت جمهوری اسلامی شده است. ابعاد سراسری و وسیع اعتراض معلمان و حمله گسترده رژیم به آنها و دستگیری تعداد زیادی از فعالین و رهبران حرکت اعتراضی معلمان، حرکت معلمان را در جایی قرار داده است که موفقیت آن برای به دست آوردن همین خواست افزایش حقوق و تامین امنیت شغلی و اجتماعی معلمان در مقابل فشارهای رژیم، احتیاج به یک رهبری و سیاست روشن و بدون ابهام در باره راهی که میروند و کاری که انجام میدهند دارد.

هفته گذشته رژیم برای جلوگیری از حرکت اعتراضی معلمان دست به بگیر و ببند زد. در همدان و همه شهرها معلمان فعال بازداشت شدند. رژیم با این تعرض گسترده توانسته است تا اندازه ای در کار خود موفق شود. متأسفانه این تعرض گسترده رژیم از طرف رهبری حرکت معلمان پاسخ درخور نگرفت. این در حالی است که وسعت حرکت های اعتراضی معلمان در سراسر کشور نشان میدهد که معلمان قادرند به تعرض به خود پاسخ گویند و با اعتراضات گسترده تر به مقابله با دستگیریها بپردازند و نگذارند کسی جرأت کند به معلم معترض دست بزند. اما الان طوری شده است که هر معلم معترض که میخواهد فردا دست به اعتراض بزند، نمیتواند از فکر از دست دادن شغل و یا به زندان افتادن خلاص شود.



جهت اطلاع عموم

برنامه های آزمایشی پرتو بدلیل مشکلات فنی ماهواره از روز دوشنبه ۳ اردیبهشت برابر با ۲۳ آوریل پخش خواهد شد.

برنامه آزمایشی هر روزه تلویزیون پرتو از تلویزیون کانال ۶ روی ماهواره هات برد (Hotbird) پخش میشود. کانال ۶ پروژه مشترک حزب حکمتیست (تلویزیون پرتو) و کنگره آزادی عراق (تلویزیون سنا) است.

مشخصات پخش به شرح زیر است:

Satellite: Hotbird 8

Orbital Position: 13 degrees East

Transponder: 14

Downlink Frequency: 11 470

Downlink Polarity: Vertical

FEC: 5/6

Symbol Rate: 27,500

برنامه های تلویزیون پرتو هر شب از ساعت ۸:۲۰ تا ۹:۲۰ شب بوقت تهران پخش میشود. این برنامه روز بعد ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر روی همین کانال تکرار خواهد شد. علاوه بر این روزهای جمعه تلویزیون پرتو از ساعت ۷:۲۰ تا ۸:۲۰ شب به زبان کردی نیز برنامه خواهد داشت.

با تلویزیون پرتو همکاری کنید و مشخصات پخش برنامه های این تلویزیون را به اطلاع عموم برسانید.

و حول چه خواسته هایی جمع شوند، چه چیزهای مهمی را برای برگزینی یک اول ماه مه پیروزی روی میز آنها پیشنهاد می کردید؟

کوروش مدرسی: تصمیم گیری در مورد اشکال اول ماه مه کار خود ایران رهبران در محل است. تناسب قوا بشدت متفاوت است. وضعیت اتحاد در صفوف طبقه کارگر بشدت متفاوت است. بیشتر از من یا هر کس دیگری رهبران و سازماندهندگان کمیونیت طبقه

کارگر میتوانند در مورد شکل خاص اعتراض در هر محیطی اظهار نظر دقیق بکنند. اما اگر من با همچنین جمعی رو برو شوم اول تلاش می کنم که بر سر هدف اول ماه مه نظرم را بگویم. اگر بر سر این توافق کنیم آنوقت می توان خیلی کارها کرد. می توان مجمع عمومی در کارخانه ها گرفت. می توان تصمیم گرفت که بمناسبت اول ماه مه سوت کارخانه ها و پالایشگاه ها را بصدا درآورد. می توان تصمیم گرفت که روز اول ماه مه، چراغ های وسایل نقلیه عمومی توسط کارگران و رانندگان روشن نگه داشته شوند. می توان تصمیم گرفت محلات کارگری را در این روز چراغانی کنیم. می توان جشن های بزرگی را در این روز در گردشگاه ها سازمان داد و جمع شد و در آن به وضعیت طبقه کارگر در سطح دنیا و در سطح ایران و رسالتی که به عهده دارد و کاری که از دستش ساخته است، بپردازیم. می توانیم محافلی بگذاریم که در آن ادبیات کمیونیستی، کارگری و سوسیالیستی مطالعه کنیم. می توانیم ذهنیت و خودآگاهی را در طبقه کارگر گسترش دهیم. و همه اینها اعتراض مستقیم به جمهوری اسلامی است.

کورش مدرسی: کارگر چه سفید باشد چه سیاه، چه ترک، فارس، کرد، ارمنی باشد یا زن یا مرد هر چیز دیگری اتفاقاً معنی کارگر بودن می فهمد. این واقعیت زندگی طبقه کارگر است و تئوری لازم ندارد. دانش عجیبی نمی خواهد. کسانی دنیا را پر از رمز و راز قومی، مذهبی، جنسی و غیره کرده اند، گرد و خاکی به پا کرده اند که کارگر واقعیت ساده را نبیند. حرفی که کمیونیت ها میزنند سر راست ترین و ساده ترین حقیقت زندگی است. کسانی که فکر میکنند کارگر فقط دستمزد و ساعت کار را میفهمد یا شعور فردی کارگر را دست کم میگیرند و یا نمیخواهند در ورای گرد و خاک کارگر چیزی را ببینند. معلوم است که اول ماه مه روی یک صفحه سفید برگزار نمیشود. و اتفاقاً مشکل هم همین است. اگر صفحه سفید بود توضیح حقیقت طبقاتی جامعه سر تازین کار دنیا بود. کاغذ سفید نیست چون عده ای ذهنیت طبقه کارگر را به فارس و کرد و ترک و زن و مرد و شاعلی و بیگار و غیره تقسیم کرده اند. اگر کسی این نمیشود ها را تحویل من بدهد در جواب می گویم که رفیق خوب اتفاقاً اول ماه مه ابزار مقابله با همین نتوانستن ها و نشدنی ها است. ابزار شکستن حصار های مذهبی، قومی، جنسی، ملی است. و طبقه کارگر را در سراسر جهان به هم میبافد و یکپارچه می کند.

در کل، اشکال فعالیت به شدت متنوع است. پیروزی اول ماه مه تنها با شاخص اینکه چند نفر شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی؛ سر دادند تعیین نمی شود، این شاخص درستی نیست. شاخص این است که بعد از اول ماه مه طبقه کارگر به وجود خودش و جامعه به وجود طبقه کارگر آگاه تر شده است یا نه. از سوت کارخانه ها تا چراغانی و جشن تا رایگان کردن وسایل نقلیه عمومی و از مطالعات مارکسیستی و کمیونیستی در محافل کارگری و تا جمع شدن در گردشگاه ها و غیره، خود طبقه کارگر و جامعه را متوجه یک موجودیت طبقاتی میکند که فردا نمی توان به آسانی از کنار آن گذشت و فراموشش کرد. در هر بعدی که این هدف متحقق شود به همان میزان صحنه رورودنی طبقه کارگر با بورژوازی از نو چیده خواهد شد.

مصطفی اسپور: شما اگر در میان محافل و رهبران کارگری حضور داشتید که الان فکر می کنند که اول ماه مه را چکار کنند، می گویند "نمیشود کاری کرد،

به نظرم این دوره خدمتی که کمیونسم ما می تواند به طبقه کارگر و جنبش رهایی بشر کند این است که معنی و مضمون واقعی اول ماه مه را جلو بگذارد.

اگر اول ماه مه سی هزار نفر از کارگران صنایع کلیدی کشور در تهران مستقل از رژیم دور هم جمع شوند و اعلام کنند که ما طبقه کارگر هستیم، علیه بردگی مزدی هستیم، ما همبستگی خودمان را با کل طبقه کارگر در سراسر جهان اعلام می کنیم، ما شرم داریم که جهان پر از این همه ثروت و در دست عده معدودی متمرکز است و بشریت محروم از این ثروت است، اعلام کنند که طبقه کارگر رسالت رهایی بشریت را بر عهده دارد و یک کلمه هم راجع به دستمزد و ... چیز دیگری هم حرف نزنند، فردای آن روز صحنه مبارزه طبقه کارگر با رژیم در مورد جنگ، دستمزد، اخراج و بیکاری ها کلا به نفع طبقه کارگر تماماً عوض می شود.

می خواهم بگویم که طبقه کارگر وجود و حضورش در جامعه به اسم خودش کل معادلات را عوض می کند.

این را باید مبنا قرار داد و اتفاقاً طبقه کارگر را هم دقیقاً بر این اساس میشود متحده کرد. و گرنه اگر شما علیه بیکاری مبارزه می کنید ممکن است کسی که شاغل است با شما نیاید. اگر علیه دستمزد پایین مبارزه می کنید کارگری که دستمزد بالا دارد ممکن است به اعتراض شما نپیوندد. اگر علیه بستن نساجی ها اعتراض کنید کارگر نفت اعتراض شما را به خود مربوط نمی داند. چیزی که به طبقه کارگر مربوط است واقعیت وجود طبقه کارگر بعنوان برده مزدی، خالق ثروت و محروم از ثروت و ناجی بشریت در این دنیا است. و حول این سیاست است که بخش وسیعی از طبقه کارگر را می توان جمع کرد. چشم طبقه کارگر را باید بروی واقعیت وجودی باز کرد و از آن طریق باید نشان داد که چرا دستمزدها پایین است، چرا بیکاری هست، چرا کارگر نفت باید از کارگر نساجی حمایت کند، کارگر ایران خودرو باید از کارگر نفت حمایت کند، همه باید با هم متحد باشند و غیره.

در غیر این صورت به سندیالیستی تبدیل خواهیم شد که در اوج قدرتش در کشورهای غربی نتوانست و نمیتواند حتی حقوق کارگران در چارچوب نظام بردگی مزدی دفاع کند. بورژوازی هنرش تفرقه میان کارگران است.

مصطفی اسپور: شما اگر در میان محافل و رهبران کارگری حضور داشتید که الان فکر می کنند که اول ماه مه را چکار کنند

کانونهای صنفی معلمان نباید اجازه داشته باشند به نام معلم از این و یا آن جناح حکومت حمایت کنند. اگر سرکوبگرهای رژیم اعتراض کنند، رهبران تشکل صنفی مستقل هستند، باید از حقوق مستقل معلم حمایت کنند. معلمان و مردم جامعه نمیتوانند هم تهدید به اخراج و زندانی و سرکوب شوند و هم از حکومت زندانی کننده و سرکوب کننده خود و مردم ایران حمایت کنند.

معلمان و کانونهای صنفی معلمان و هر تشکل دیگر معلمان باید با طرح روشن خواست افزایش حقوق معلمان و با تعیین میزان درصد آن، مبارزه را برای دستیابی به افزایش حقوق را ادامه دهند. معلمان و کانونهای صنفی معلمان خواهان احقاق حق خود شوند. برای دستیابی به افزایش حقوق و یا هر حقوق صنفی و اجتماعی دیگر، نباید از رژیم جمهوری اسلامی حمایت کرد. در کشورهای که آزادی تشکل و اجتماعات و بیان وجود دارد، رهبران اتحادیه های صنفی شدت به دولت و کارفرماها حمله میکنند و هیچ کسی به خود اجازه نمیدهد، تا برای کسب یک افزایش حقوق از کسی تمجید و تعریف کند.

معلمان شریف و ازادخواه باید به طور روشن مطالبات خود را طرح کنند، خواهان کسب فوری آن شوند و کسب آن را به تصویب و اجرای این و آن لایحه گره نزنند و نگذارند مطالبات آنها وثیقه ای برای لاپوشانی سرکوبگری و جنایت حکومت اسلامی بر علیه مردم شود. فقر و نداری را نباید تحمل کرد. باید خواهان رفاه کامل و آزادی گسترده همین امروز و فردا شد.

کانونهای صنفی، کسب حقوق صنفی آنها را وثیقه حمایت از او قرار داده است و خواست روشن و سرراست آنها برای افزایش حقوق را به حمایت از مجلس و یا دولت و ارگانهای دیگر رژیم گره میزنند، حرکت صنفی آنها را سرکوب کرد. اگر قرار باشد برای قشر، جمهوری اسلامی و ارگانههای مورد تمجید و تعریف قرار گیرند، جمهوری اسلامی قویتر و محکمتر از قبل به سرکوب و بی حقوق مردم ادامه میدهد. اگر بخشی از رهبری کانونهای صنفی میتوانند زیر نام افزایش حقوق معلمان گاهها به احمدی نژاد و گاهها به مجلس دخیل ببینند. اکثریت مردم جامعه که خواهان آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل، لغو حجاب اجباری و دیگر قوانین زن ستیز، برقراری یک دولت سکولار غیر مذهبی، بیمه بیکاری و رفاه و..... هستند چه باید کنند؟ به چه کسی دخیل ببینند؟

مشکل دیگر بخشی از رهبری معلمان در کانونهای صنفی مرکزی رابطه ای است که این رهبری با حکومت و مسئولین رژیم برای خود تعریف میکند. در اینجا منظورم ملاقات برای گفتگو و مذاکره نیست، که چنین امری اتفاقا نشانه قدرت حرکت معلمان است. منظوم رابطه حمایتی و معنوی است که بخشی از رهبری حرکت معلمان به حکومت و جناحهای ابراز میکند. مثلا به احمدی نژاد هشدار میدهند که چرا به وعده های انتخاباتی خود عمل نمیکند. وعده هایی که بنابر بر نوشته ها و گفته های رهبران کانون صنفی معلمان، احمدی نژاد در جریان مبارزه انتخاباتی در ملاقات با آنها به آنها داد و حمایت آنها را برای خود خرید و گویا حالا پس از انتخاب شدن رژیم فوئش زده است. کانونهای صنفی مرکزی معلمان در نامه هایشان به مسئولین جمهوری اسلامی مرتب این را یادآوری میکنند که آنها حامی جمهوری اسلامی هستند و نظام به آنها احتیاج دارد. حتی سایت کانون صنفی معلمان نامه ای را درج کرده است که حمایت کامل از حکومت و رهبران و قوانین رژیم جمهوری اسلامی را در بر داشته است.

معلمان مانند همه مردم ایران این حکومت را میشناسند. قابلیت سرکوبگری آن را میشناسند. شاید برخی ها بعضا از سر محافظه کاری و ترس از سرکوبگری رژیم، نامه های حمایت آمیز برخی از کانونهای صنفی از رژیم و جناحهای آن نادیده بگیرند و فکر کنند چنین کاری برای جلوگیری از سرکوبگری رژیم مناسب است. اما معلمان دیده اند که آنها فقط در جاهایی موفق شدند

تربدست بیاید را دچار مشکل میسازد. خواست تصویب و اجرای لایحه خدمات کشوری جدا از اینکه وارد شدن به میدان بازی دولت جمهوری اسلامی و جناحهای است، مسئله افزایش حقوق معلمان را در ابهام فرو میرد. افزایش حقوق یک امر دائمی است و باید هر سال و یا هر چندماه یکبار آن را مطالبه کرد. چنین مطالبه ای را نباید به سیاستهای اقتصادی و سیاسی یک دولت، آنهم دولت جمهوری اسلامی گره زد.

رهبری حرکت معلمان میتوانست به سرعت کاری کند که چنین فضایی در میان معلمان حاکم نشود. اما رهبران حرکت معلمان متاسفانه چنین نکردند.

متاسفانه بخشی از رهبران حرکت اعتراضی معلمان به شدت به توهامی آلوده اند که کار پیشبرد مبارزه معلمان برای احقاق حقوقشان را دشوار میسازند. بخشی از رهبری جنبش معلمان برای احقاق حقوق معلمان به این و یا آن جناح و این و یا آن ارگان و قانون رژیم چشم دوخته اند.

با چنین امیدی حرکت معلمان بازپچه دست این و آن جناح حکومت میشود.

کانونهای صنفی معلمان در بهترین صورت مطالبه خود را اینطور فورمولبندی میکنند که:

معلمان چوب ناکارآمدی و بی تدبیری برخی از مدیران آموزش و پرورش و عدم هماهنگی مجلس و دولت بر سر لایحه مدیریت خدمات کشوری را میخورند.

این جمله ترجیح بند همه اطلاعیه ها و بیانیه های کانونهای صنفی معلمان است. کانونهای صنفی معلمان در ابتدا به جای طرح افزایش حقوق، مسئله تصویب و اجرای طرح خدمات کشوری و نظام هماهنگ حقوق را پیش کشیدند که این طرح ربطی به افزایش حقوق معلمان و دیگر ائتشار جامعه ندارد. شکی نیست که معلمان با این فکر که این طرح شاید افزایش حقوقی را شامل حال آنها سازد به میدان آمدند، اما این طرح، یک طرح گسترده برای نظم و نسج دادن به نظام اداری سازمانهای سیاسی و اقتصادی دولتی و غیر دولتی نظام جمهوری اسلامی است که مانند همه طرحها و برنامه های این رژیم فقط دودش به چشم همه مردم میرود. معلمان نمیتوانند برای افزایش حقوق خود دل به اجرای چنین طرحهایی ببینند. مطالبه تصویب و اجرای این طرح، مطالبه افزایش حقوق معلمان را که میتواند بسیار ساده

تماس با حزب

کوروش مدرسی لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

خالد حاج محمدی معاون لیدر

khaledhaji@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان

husienzade_r@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۲۹۸۵۸۳۷

فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی

fateh_sh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۷۵۱۲

عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی

darabiabe@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

مهرنوش موسوی دبیر کمیته خارج کشور

mehrnousch@aol.com

بهرام مدرسی دبیر کمیته کل کشور

bahrammodarresi@gamil.com

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۱

جمال کامانگر دبیر سازمان جوانان حکمتیست

jamalkamangar@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۷۸۱۴۷۶۷۵۶۱۹

دبیر خانه حزب

mail@hekmat.com

تلفن: ۰۰۴۷۸۳۰۲۷۹۵۲۶

رضا کامانگر مسئول روابط عمومی حزب

r_hekmatist@yahoo.com

تلفن: ۰۰۵۲۸۴۰۵۶۶۹۵۴۸

سایتهای حزب و نهادهای نزدیک به حزب

www.hekmatist.com

www.jawanx.com

www.marxhekmatistsociety.com

www.iran-telegraf.com

www.oktoberr.org

www.hekmat.public-archive.net

به حزب حکمتیست

کمک مالی کنید!

کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید:

Name: A.J

Bank: NatWest

Account No:
65041283

Sort code: 601520

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!